

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میربی، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۳ ۳ صفر ۱۴۴۶ ۸ آگوست ۲۰۲۴ سال بیست‌ویکم • شماره ۱۲۰۴۸۹۸ • صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۱ • اذان صبح فردا ۳:۴۵ • طلوع آفتاب ۵:۱۹

به احترام ایران



احمدمسجدجامعی

موضوعی متن شده و کاری از جناب عبدالعلی‌زاده ثبت شده است. هرچند ممکن است از نگاه برخی مناسب شوخی به نظر آید، اما از نگاه من حرکتی عمیق، اصیل و درخور تدبیر فراوان است. آقای وزیر مسکن دولت خاتمی، در جلسه رسمی دولت با شنیدن صدای سرود ملی از خارج جلسه، به احترام از جای برخاسته تا پایان سرود ایستاده است. به نظر من این حرکت نشان از عمق میهن‌پرستی در وجود این بزرگوار است. همان‌طورکه خودش هم جایی گفته است، اجازه بی‌حرمتی به پرچم و سرود ملی را نمی‌دهیم. این روزها آقای عبدالعلی‌زاده ارموی بعد از ریاست ستاد انتخاباتی دکتر مسعود پزشکیان، طبق روش معمول خود، بی‌سروصدا از این‌گونه امور کناره گرفته است.

آن‌موقع هم که چنین مسئولیت مهمی را عهده‌دار بود، کمتر در جمع خبرنگاران و رسانه‌ها حاضر می‌شد و در پی تفاخر نبود و به جای این کارها، وقت خود را صرف ساماندهی و انجام دقیق و درست وظایف خودش می‌کرد. او را به خوبی می‌شناسیم. او حتما از هیچ‌کسی هم انتظار قدردانی ندارد، اما برای اهل فرهنگ، شخصیت و منش ایشان ستودنی و مثال‌زدنی است. و مطمئنیم که با توجه به تجربیات فراوان او در اجرا و قانون‌گذاری، همیشه در صحنه خواهد ماند. جز آن، تجربیات ایشان در شهرسازی می‌تواند در اداره درست و به‌قاعده امور شهری و شهرداری راهگشا باشد.

ازاین‌رو در دوره‌هایی که در شورای شهر پایتخت، به‌عنوان نماینده مردم تهران خدمت می‌کردم، پیوسته نام او مطرح می‌شد و



آتش‌سوزی گسترده در جنگل‌های بلوط قاشبله مریوان پس از ۴۸ ساعت تلاش بی‌وقفه انجمن‌های محیط زیست، نیروهای مردمی و منابع طبیعی مهار شد. این حادثه خسارات قابل توجهی به یکی از پرتراکم‌ترین و زیباترین مناطق بلوط در زاگرس وارد کرد. عکس، سید صالح بیرخضرایان، ایرنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
aparat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

مسئولیت‌هایی را درباره برخی از معضلات شهری می‌پذیرفت و به خوبی از عهده برمی‌آمد. هرچند به پست شهرداری تهران که پیشینه‌اش من بود، تن نداد. البته دیگران هم چنان که توقع بود، همراهی نکردند، وگرنه کار آمدی او بر آشفتگی‌های شهری غلبه داشت. هنوز هم پس از نزدیک به سه دهه از عمر مدیریت او در شهرداری تبریز، خاطرات شیرینی از وی نقل محافل است. به هر حال، به او که این بار به گفته خودش، برای احیای نهاد دولت ملت پا پیش گذاشت و تا آنجا که با وی همراهی کردند، با صبوری و خویشتن‌داری کارها را پیش برد، خداقوت می‌گوییم و باور داریم خدمات ایشان هیچ‌گاه از یاد و خاطره ایران‌دوستان نخواهد رفت.

خداقوت آقای عبدالعلی‌زاده.

امید به اجرای یک دستور از سوی پزشکيان

شکایات حقوقی از خبرنگاران پس گرفته شود

شود تا تمام شکایت‌های حقوقی که توسط ادارات دولتی از روزنامه‌نگاران شده است، پس‌گرفته شود.

نامه‌ای برای خبرنگاران

در متن نامه انجمن خطاب به «مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهوری آمده است: «همان‌گونه‌که احتمالا مستحضرد طی سال‌های گذشته شکایات قضائی متعددی از سوی مقامات و نهادهای دولتی از خبرنگاران و اهالی رسانه

با دستور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، دستگاه‌های دولتی شکایت از روزنامه‌نگاران را پس‌می‌گیرند. این دستور پس از درخواست انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران داده شده است.

درخواست انجمن صنفی

هفته پیش انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در نامه‌ای از رئیس‌جمهوری درخواست کرد که هم‌زمان

باشید که از خانواده‌ی غیبش دوا رسد

محک

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

پویش مشترک محک و آپ در تأمین هزینه درمان کودکان مبتلا به سرطان

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org

۰۲۱ - ۲۳۵۴۰

عمدتا به دلیل ایفای وظایف حرفه‌ای به عمل آمده است. هرچند ارزیابی دقیقی از تعداد این شکایات وجود ندارد اما به نظر می‌رسد تعداد آنها بسیار زیاد است و از این بابت تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در گیرودار پرونده‌های قضائی و جریمه و حبس هستند». در ادامه این نامه آمده است: «با توجه به دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی جناب‌عالی در زمان تبلیغات انتخاباتی و مثنی تأکیدشده از سوی شما، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران تقاضا دارد طی فرمانی از نهادهای دولتی زیر نظر خود بخواهید آن‌دسته از شکایات خود از اهالی رسانه را که به صرف فعالیت رسانه‌ای ایشان صورت گرفته پس بگیرند. طبیعتا این اقدام به عنوان حسن نظر دولت حضرت عالی به فعالیت رسانه‌های رسمی تلقی می‌گردد و معنای محق یا غیرمحق بودن هیچ‌کدام از طرفین را ندارد». در بخش پایانی این نامه آمده است: «این اقدام همچنین به عنوان عملی در راستای حمایت دولت محترم از فعالیت آزاد رسانه‌ها تلقی می‌گردد. ما همچنین امیدواریم طی فعالیت دولت چهاردهم، مدیران دولتی با باور به اهمیت فعالیت رسانه‌های مستقل و اصل شفافیت با رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران با سعه صدر برخورد کنند».

یادداشت

خودکنترلی، ضرورت اخلاقی حرفه‌ها



حامدخانجانی

امروزه بخش مهمی از آنچه به‌عنوان «اصول حرفه‌ای» Professional principles در کشورهای توسعه‌یافته در رشته‌هایی مانند پزشکی، مهندسی، حقوق، روزنامه‌نگاری و دیگر حرفه‌ها پیگیری می‌شود، در حوزه «اخلاق حرفه‌ای» Professional Ethics مطرح است و در دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی آنها کمیته‌های پرکار و پرکاربردی درباره اخلاق حرفه‌ای وجود دارد. اما متأسفانه در کشور ما وقتی صحبت از اخلاق حرفه‌ای به میان می‌آید، اغلب چنین تلقی می‌شود که قرار است از امور دینی و از بایدها و نبایدهای شئون‌ات دینی و از باب ارشاد و ارباب اخروی سخن گفته شود. همچنین به علت شرایط کشور در تبلیغ امور دینی از تریبون‌های رسمی و جو عمومی بی‌اعتمادی درباره برخی کارگزاران در خلاف جهت تبلیغات، صحبت از اخلاق عمدتاً با بدبینی و پس‌زدگی همراه است. متفکران رشته اخلاق عنوان می‌کنند که خوب و بد اخلاق، ذاتی است و اخلاق مبنای عقلی دارد. اخلاق منبعث از دین نیست؛ هرچند دین به اخلاق تأکید دارد. به عبارتی آدمی می‌تواند بی دین باشد، ولی اخلاقی زیست کند. «اصول حرفه‌ای» بخشی مربوط به آیین‌نامه‌ها و مقررات فنی است و بخشی مربوط به نحوه ارائه خدمات حرفه‌مندان و نحوه ارتباط با متقاضیان و همکاران حرفه‌مند است. بخش مربوط به نحوه ارائه خدمات و نحوه ارتباط با متقاضیان و همکاران را تا حدودی آیین‌نامه‌های انضباطی و انتظامی و در محدوده‌ای وسیع‌تر نظام‌نامه‌های اخلاقی پوشش می‌دهد. قانون و اخلاق هر دو در ارتباطات انسانی مفهوم می‌یابند و هر دو در جهت تأمین حقوق متقابل انسان‌ها عمل می‌کنند. ارتباطات انسانی دارای وجوه ارتباط انسان با خود و ارتباط انسان با دیگری و جامعه و محیط زیست) است. با وجود این وجه اشتراک، تفاوت‌هایی میان قانون و اخلاق وجود دارد. هرچند قانون عهده مقررات خود را بر پایه اخلاق استوار می‌کند، اما حوزه نفوذ اخلاق بسیار گسترده و حوزه نفوذ قانون بسیار تنگ و محدود است. همچنین است که همه مناسبات اخلاقی و اجتماعی امکان تشکیل آیین‌نامه‌ای و تبدیل شدن به مواد قانونی را ندارند و ضمانت اجرایی انتظامی و قضائی

شاهنامه‌خوانی

گشتاسب باز هم

پیمان شکست (۲)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

اسفندیار، پور گشتاسب، پس از ویران کردن روین‌دژ و از پای درآوردن ارجاسب، با این آرزو به نزد پدر بازگشت که گشتاسب بر پیمان خود بماند و تاج و تخت بدو سپارد و در ایوانش روزی چند بماند و چون پدر را بر پیمان خویش ندید، آزرده‌خاطر به نزد او آمده و سخن گفت.

اسفندیار چهره در هم کشیده، گفت: «تو رستم و فرزندان او را نمی‌خواهی، تنها در اندیشه دور گردانیدن اسفندیار از درگاه خود هستی، دریغ می‌آید تاج شاهی را به من وانهی، این تاج و تخت از آن تو باشد، من در گوشه‌ای در این جهان برای خود خواهم زیست.»

گشتاسب به نرمی گفت: «تندی نکن و بی‌اندیشه نژندی نکن، از لشکر، سواران برگزیده را برگیر و با خود هرچه در دم خواهی از گنج‌خانه بردار که بی‌تو نه سپاه خواهم و نه گنج.» اسفندیار پاسخ داد: «اگر مرا زندگی

در سیستان به سر خواهد آمد، لشکر و گنج به چه کار آید؟» و از درگاه پدر به خشم بیرون رفته، به ایوان خویش بازگشت با لیبی پر ز باد و دلی پر ز غم. چون کتابیون، مادر اسفندیار، دانست گشتاسب چه راهی را پیش پای پسرش برای سپردن تاج و تخت نهاده، نزد فرزند رفت و گفت: «از بهمن شنیدم اندیشه رفتن به زابلستان داری تا دست رستم زال را برندی و او را دست‌فرو بسته در پیش پدر بنشانی. رستم، خداندن شمشیر و کویال است و پدرت در اندیشه دور گردانیدن توست و باشد که مرگ تو را آرزو کند. از تو می‌خواهم این پند مادر بشنوی، به سوی بدی مشتابی و در بدی مکوشی. رستم سواری است که به پیل می‌ماند و بر زمین، خون چون نیل روان کرده.

او همان یلی است که چکرگاه دیو سپید را بدرید و خورشید از شمشیر او راه خود را گم می‌کند. او بانوی کاووس، ماه هاماوران را در پیش‌روی شاه بکشت و شاه را توان آن نبود که دم برآورد، به آزرذگی او فرزند خویش، سهراب را که بداندیش ایران بود، پهلو بدرید و به کین سیاوش از افراسیاب، گیتی را از خون چون دریا گرداند. نفرین بر این تاج و تخت باد که برای آن، همه ما را در سوگ خواهی نشاند. از تو می‌خواهم برای تاج و تخت سر خود را به باد ندهی که هیچ‌کس با تاج شاهی از مادر زاده نشده. پدرت پیر گشته و تو جوان هستی و سپاه یک‌سر چشم به تو دارد. تن را به رنج میفکن و مرا در دو کیتی خاکسار مگردان؛ از مادری که نگران و دلسوز توست، سخن بشنو.»

اسفندیار در پاسخ مادر گفت: «ای مام مهربان، می‌دانم رستم پهلوانی است که چون او کسی با ایران‌زمین مهربان نبوده است. می‌دانم هنرهایش بسیار است و هرچند شایسته نیست بستن او، با خواسته فرمان شاه چه کنم، اگر باشد که مرا به زاولستان روزگار به سر آید، احترام مرا به آن سوی خواهد کشاند و اگر رستم به فرمان من بیاید، هرگز سخن سرد از من نخواهد شنید.»

کتابیون از مژه خون فشانند و موی از سر برکنند و به فرزند خویش گفت: «ای زنده‌پیل، تو آن کهن‌پهلوان را خوار می‌گیری، می‌دانم با پیلتن بسنده نیستی و تو را توان رویارویی با او نیست، بدین‌گونه روان را در دست مگیر و بیش شیر زیان، هوش خویش را نبر و بدان اگر بر آئی که به زاولستان بروی، آرزوی اهریمن را برآورده گردانیده‌ای، پس فرزندان خود را همراه نگردان که آن‌گاه دانا، تو را پاک رای نخواهد خواند.»

اگر زین نشان رای تو رفتست/ همه گام بدگوهر آهرمنست
به دوزخ میر کودکان را به پای/ که دانا نخواند تو را پاک رای
دریغا، دریغ که اسفندیار را گوشی برای نبوشیدن نبود و دردناک‌تر اینکه سه پسر خویش را نیز همراه گرداند و آن غم‌انه‌رویداد را آفرید.